

دیدگاه قانونگذار رفتاری اعم از فعل و ترک فعل جرم است که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد. از طرفی برای تعیین مجازات نیاز به فاعل جرم است که بر اساس قوانین جزایی کشور ما که منطبق بر فقه امامیه است؛ فاعل جرم، علاوه بر عقل و اختیار باید دارای بلوغ باشد که از آن در قانون به عنوان مسئولیت کیفری یاد می‌شود. اساس مسئولیت کیفری طفل به دلیل نابالغ بودن محل تردید است. علاوه بر این، شرایط عمومی مسئولیت کیفری مانند عقل و اختیار نیز وجود دارد که برای صدق مسئولیت کیفری، احراز این شرایط عمومی الزامی است. عدالت کیفری نیز این موضوع را می‌پسندد که علاوه بر شرایط عمومی، شرایط اختصاصی (جنبه‌های فردی و روانی) نیز در مسئولیت کیفری لحاظ شود تا کیفر چهره عادلانه و مفید داشته باشد. بنابراین با احراز مسئولیت کیفری اجرای مجازات امکان‌پذیر است ولی عواملی وجود دارند که می‌توانند باعث زوال مسئولیت کیفری شوند این عوامل که عوامل رافع مسئولیت کیفری نامیده می‌شوند عبارتند از: کودکی، جنون، اجبار و اکراه، اضطراب، اشتباه و اختلال قوه اراده به علت مستی.

کودکی یا عدم بلوغ مرتکب، به عنوان یکی از موانع مسئولیت کیفری از مباحث مهم فقه‌های امامیه و اهل سنت است که در قوانین جزایی ادوار مختلف به آن توجه شده است. برای احراز بلوغ در فقه شیعه و عامه، سنین مختلفی را اماره برای آن قرار داده‌اند. طبق نظر اکثر فقه‌های شیعه سن بلوغ در دختران ۹ سال قمری و در پسران ۱۵ سال قمری است مگر آنکه علایم دیگر بلوغ که احتلام و در آمدن موی زهار و... باشد قبل از رسیدن به این سن ظاهر گردد. با توجه به اینکه بلوغ دارای احکام تکلیفی و وضعی خاصی می‌باشد و ثبوت این احکام در آن سنین به خصوص برای دختران نمی‌تواند مطلقاً قابل قبول باشد، لازم است این مسأله را هم از نظر لغت و هم از دیدگاه فقه‌های شیعه و سنی و به لحاظ حقوقی مورد بررسی قرار گیرد. لذا در صورت مذاقه در مباحث فقهی و حقوقی تعیین شرط سن مسئولیت کیفری، رشد جزایی و تفاوت آن با رشد مدنی، مفهوم و معیار بلوغ و اینکه در قصاص تنها شرط بلوغ کفایت می‌کند یا علاوه بر آن نیاز به قوه تمیز و ادراک است، از مواردی است که فقها به خصوص فقه‌های امامیه و حقوقدانان به آن پرداخته‌اند، که در این پژوهش به تفصیل بیان خواهد شد.

اساس و مبنای مسئولیت پذیری انسان عقل است آدمی به سبب بهره‌بندی از عنصر عقل، شایسته پاداش و کیفر است. در تعلق احکام و مسئولیت کیفری علاوه بر عقل، شرط بلوغ نیز لحاظ شده است. در تحقق مسئولیت کیفری علاوه بر رسیدن به حد بلوغ شرط رسیدن به رشد و بلوغ فکری اهمیت دارد اما چون سرعت رشد قوای جسمی و عقلی در افراد یکسان نیست، قانونگذار برای اجرای یکسان مقررات جزایی و قابل فهم بودن ناگزیر به استفاده از ملاکی با عنوان «سن» است. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با رویکردی نو و با نگرش وسیع‌تر نسبت به قوانین سابق جزایی سعی نموده که مجازات قاتل صغیر را دقیق‌تر و هدفمندتر معین کند. به طوری که در ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ علاوه بر میرا دانستن طفل از مسئولیت کیفری فقط به تربیت قاتل صغیر توسط سرپرست طفل و عند الاقتضاء کانون اصلاح و تربیت اشاره نموده است. این در حالی است که قانونگذار ۱۳۹۲ با اختصاص فصل دهم در مواد ۸۸ الی ۹۵ به مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان پرداخته است و در تبصره ۲ ماده ۸۸ به طور خاص به نحوه مجازات قاتل صغیر اشاره می‌کند.

همچنین برای مجازات قاتل بالغی که به هر علت قصاص نشود، باید بر اساس ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۵ مجازات تعزیری، حبس تعیین نمود. برای مجازات قاتل صغیر همانطور که بیان شد در قانون سابق به همان ماده ۴۹ اکتفا شده است. ولی قانونگذار در تبصره ۲ ماده ۸۸ قانون ۱۳۹۲ علاوه بر سایر اقدامات تأمینی و تربیتی به نگهداری مرتکب طفل از سه ماه تا یک سال در کانون اصلاح و تربیت، تغییر موضع داده است.

بی تردید کودکی (صغر سن) از جمله عوامل رافع مسئولیت می باشد. از سویی می توان چنین گفت، که بلوغ اماره رشد جسمانی و تکامل قوای ادراکی فرد است که نمی توان بر مبنای اصل و اماره قانونی، فرد را بعد از بلوغ تا مدت زمانی خاص مثلاً تا ۱۸ سالگی از نظر ادراکی غیر رشید فرض کرد، لکن می توان بلوغ را اماره برخورداری فرد از مسئولیت تام جزایی تلقی کرد.

لذا هر چند جهت احراز مسئولیت کیفری علاوه بر عقل و اختیار نیاز به بلوغ، بر اساس قانون و شرع است، با توجه به رویکردهای فقهی و قانونی به خصوص مواد ۹۱ و ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ علاوه بر بلوغ سنی و جنسی، نیاز به بلوغ فکری و توانایی عقلی است که به صراحت قانونگذار در صورت شبهه در هر یک از شرایط مسئولیت کیفری من جمله بلوغ، با جاری ساختن قاعده درء مسئولیت کیفری مرتکب احراز نشده و باید از سایر مجازات های مربوط به اطفال استفاده نمود؛ از این رو پیشنهاد می شود: معیار سن در حد همان اماره باشد و از معیارهای دیگری برای تشخیص بلوغ استفاده نمود و از جمله معیارهایی که می توان برای تشخیص مرز یا سن مسئولیت کیفری استفاده کرد این است که با کمک یک روانشناس از میزان رشد عقلی کودک به طور دقیق با خبر شد که در عدالت قضایی نقش مهمی دارد.